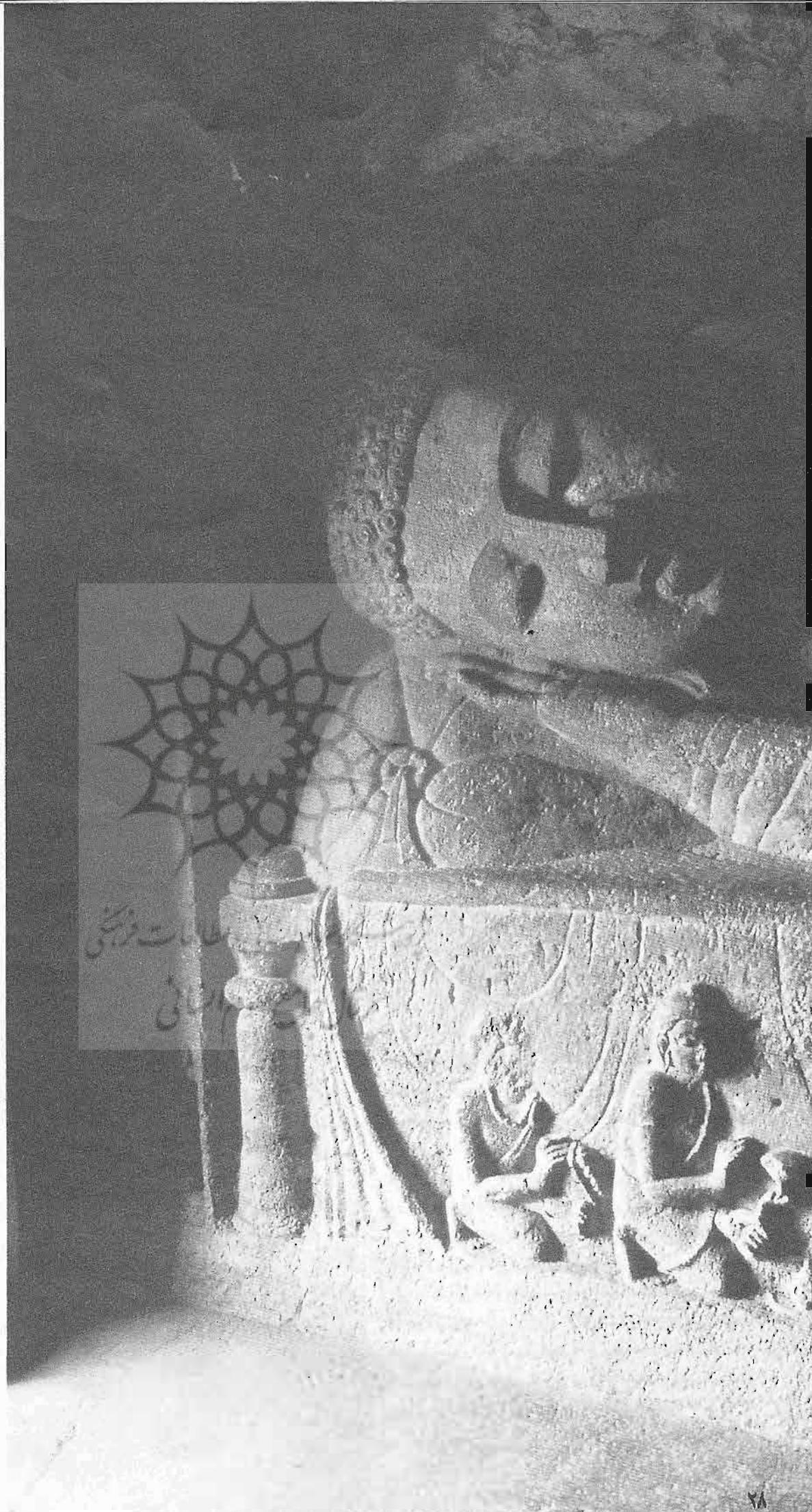


عالم ربانی در قلمرو حواس

نوشته رومن مایترا

سمت راست، مجسمه بودا در
زیارتگاه درون غار در آجاتنا،
هندوستان. صفحه مقابل، سمت
راست: یکی از اشکال متعدد
مهاکاله، خدای حامی، به صورت
مجسمه برجسته‌نما از جنس پلاک
برنجی؛ این مجسمه گویا در حدود
سالهای ۱۸۰۰ در مغولستان ساخته
شده است.
صفحه مقابل، سمت چپ: تصویر
زنی روی ستون چوبی، نیال، قرن
هفدهم.



درحالی که آگاهی زیباشناختی غایی صرفاً تأملی است، گامهایی که برای نیل بدان از طریق فرایند هنری تجویز شده است درجه بالایی از تمرکز و خلوص ذهن را می‌طلبد. فعالیت زیباشناختی مانند یوگاست، جستجوی حقیقت است، تعریفی معنوی است که متضمن پرورش احساس و ارستگی است. عواطفی که یک کار هنری برمی‌انگیزد به هیچ شخص خاصی، به هنرمند، بازیگر یا تماشاگر، تعلق ندارد. در زمان و مکان جایی ندارد. همان طور که آنتندا کوماراسوامی اشاره کرده است «تمامی دانش و همه حقیقت مطلق و بی‌نهایت است و در انتظار خلق شدن نیست، بلکه منتظر کشف شدن است.»

پیکره سازان و نقاشان هندی، وقتی خدایان را تصویر می‌کردند، الگوهای هنلی را، که در آنها خدایان به شکل انسان مجسم می‌شدند، به کار نمی‌بردند. بلکه هدف خود را از راه بینش یا درون بینی مفهومی دنبال می‌کردند، نه از طریق مشاهده و تحلیل ویژگیهای جسمانی. هر «خدا» به گونه‌ای نمادین بر مجموعه واحدی از ایده‌های روحانی و جسمش دلالت می‌کند و بنابراین باید آن را صرفاً همچون رسانه‌ای برای جلوه ابدی آن مجموعه خاص ایده‌های روحانی تلقی کرد. بدین ترتیب خدایان چند سر و الهگان چند دست هنرمند و ایده‌های مجرد و ابدی زیبایی را نشان می‌دهند و در طبیعت هیچ گونه معادل دقیقی ندارند.

یکی از اشکال ایدئال خدایان بر مفهوم کهن قهرمان و ابرمرد هندی مبتنی است. *مهابهاراته* این شکل ایدئال را توصیف می‌کند: شکارچی نیرومندی که پس از پیکارهای بسیار با شاه جاتوران و غلبه بر او شکست ناپذیر می‌شود و به هیبتی شیر مانند در می‌آید، با شانه‌ها و سینه‌ای ستبر، بازوان بلند و نیرومند، گردن کلفت و کمر بسیار باریک. در هنر هندی این بدن شیروار نماد قدرت جسمی شده است. چالاکی، صفت دیگری که برای موفقیت در شکار ضروری است، با پاهایی چون پای گوزن یا غزال نشان داده می‌شود؛ این ویژگی صفت بارز نقاشی‌های بودایی غارهای آجاتتا در شمال هند و پیکره‌های بودایی آماراواتی است. در هنر هندو و بودایی خدایانی که از طریق ریاضت به قدرت خدایی نایل شده‌اند مانند مرتاضانی که بر اثر گرسنگی و تشنگی تکیده شده‌اند و استخوانهای برآمده و رگهای متورمی دارند تصویر نمی‌شوند، بلکه با پوستی صاف و نرم و اندامهایی گرد نشان داده می‌شوند. رگها و استخوانهایشان دیده نمی‌شود، شانه‌هایی پهن و کمرهایی باریک دارند. خدایان خاور دور در باغ آرامشی (روضه صفا) منزل دارند که مملو از شکوفه‌های لطیف بهاری است، در حالی که به نظر می‌رسد ایدئال زیبایی هندی در خلوت آسمانی کوهستانهای هیمالیا که رو به بی‌نهایت دارد مجسم می‌شود.

یک صفت ویژه مفهوم هندی زیبایی بر مینای تمایز میان لذت و سعادت (آئنده) است؛ در بهگود گیتا آئنده در قلب



هنر سنتی هند در درجه نخست مذهبی است، در آن هر چیزی معنایی خدایی دارد و به هیچیک از جنبه‌های زندگی به خاطر خود آن توجه نمی‌شود. مردم، درختان، گلها، پرندگان و بسیاری چیزهای دیگر دنیای طبیعی در نقاشی و مجسمه سازی تصویر و مجسم می‌شوند، اما زیبایی‌شان ذاتی نیست، زیبایی در اندیشه الهی است که بر اذهان انسانهایی تأثیر می‌گذارد که آمادگی دریافت آن را دارند.

قدیمیترین رساله هندی درباره نظریه زیبایی *ناتیه شستره* است که در حدود قرن ششم پیش از میلاد نوشته شده است. بهاراته حکیم روحانی در این کتاب مفهوم پراهمیت ذوق زیباشناختی یا *راسا* را مطرح کرد. بهاراته ضمن عبارت معروفی می‌گوید که *راسا* احساس نیرومند و دیرپایی است که احساسهای گذرای درد و لذت می‌توانند آن را برانگیزند. او *راساهای عمده* ای را که با هنر برانگیخته می‌شوند به شهوت انگیز، خنده آور، حزن آور، خشم برانگیز، قهرمانی، ترسناک، نفرت انگیز و شگفتی آور دسته‌بندی می‌کند.

تماشاگر برای آنکه *راسا* را حس کند باید در آن حالت آزادی باشد که از فراغت از خود ناشی می‌شود. ذهن وی باید در حالت ناب و متعادل (ساتریک) باشد. خودخواهی و میل باید فراموش شود تا بینش و شوق ممکن گردد. برخلاف تزکیه (katharsis) در تراژدی یونانی، *راسا* تنها مستضمن اندیشه‌های عاطفی نیست. تماشاگر تأثیرات خوشایند یا ناخوشایند و اکنشهای خود را تجربه نمی‌کند، بلکه آنها را به آگاهی سعادت آمیزی مبدل می‌کند.



رومن مایترا،

روزنامه نگار، نویسنده و مرمنشناس هندی است که اکنون در مزون دبایس دولوم (خانه علوم انسانی) پاریس فعالیت می‌کند و درباره تصور سینمای فرانسه از دنیای هند تحقیق می‌کند.

بقیه در صفحه ۵۰.



کند. شاید واقعیت‌ناپذیر باشد که ستونی به‌زبان اسپرانتو در پیام یونسکو باز کند یا سالانه یک شماره ویژه منتشر سازد تا واکنش خوانندگان خود را ارزیابی نماید

جرمان پیرلو آستند (بلژیک)

طبیعت و فرهنگ

دلم می‌خواهد پیشنهاد کنم که یک شماره یا یک مطلب را به‌ویژه نزدیک که زمانی وجود داشت و هنوز میان برخی مردمان بین کشاورزی و فرهنگ وجود دارد، اختصاص دهید. رابطه شمار فزاینده‌ای از شهرنشینان بیش از پیش با آهنگ طبیعی زندگی قطع می‌شود. وسعت وحدت برخی مشکلات مربوط به محیط زیست ما را بر آن می‌دارد که به‌سازندگی حکمت فرهنگ‌های پردازیم.

پ. ژامت
آرژنتینول (فرانسه)

برقراری تماس

فکر می‌کنم ضروری است که خوانندگان همیشگی پیام یونسکو نظیر من بتوانند با یکدیگر مکاتبه کنند و عقاید متفاوت خود را به‌شيوه‌ای دوستانه و سازنده با یکدیگر مطرح کنند. چرا نشانی کامل خوانندگانی را که به‌شما نامه می‌نویسند درج نمی‌کنید؟ اگر چنین کنید مجله می‌تواند همچون پلی ارتباطی میان مردمی با فرهنگ‌ها، نژادها، زبان‌ها، مذاهب و زمینه‌های اجتماعی متفاوت که علاقه‌مندی دارند، عمل کند.

هومبرتو دو نو مادریرا
تریستا.ی. ترس شماره ۱۹۷
سالتو (اوروگوئه)

اگر خوانندگانی که برای ما نامه می‌نویسند تمایل خود را ذکر کنند، خوشحال می‌شوم که نشانی کامل آنها را منتشر کنیم. سردبیر

ترجمه محمد تقی‌زاده

در باره باسوادی در جهان منتشر شد، اظهار می‌دارد که گرچه در پنجاه سال گذشته غالباً پیش‌گویی‌هایی درباره‌ی روال «فرهنگ کتاب» به‌گوش می‌رسید، بازار کارهایی که به‌شيوه معمول منتشر می‌شوند علی‌رغم رقابت دستگاه‌های ضبط موسیقی، تلویزیون و ویدئو همچنان جای خود را حفظ کرده است.

این امر قابل درک است، زیرا در مدتی معین از طریق خواندن اطلاعات بسیار بیشتری می‌توان کسب کرد تا از طریق گوش دادن به‌نوار ضبط شده، یا رادیو یا تماشای تلویزیون. از طریق گوش به‌طور میانگین می‌توان ۹۰۰۰ کلمه در ساعت شنید و از طریق چشم ۲۷۰۰۰ کلمه را خواند. از طریق تندخوانی می‌توان حدود ۱۶۰۰۰ کلمه را در ساعت جذب کرد و برخی حتی به‌خواندن بیش از این مقدار قادرند. این تفاوت عظیم تفوق کتابها و دیگر کارهای نوشتنی را بر شیوه‌های سعی - بصری انتقال اطلاعات توضیح می‌دهند.

سیلوی هاست

ویله بون - سور - اووت (فرانسه)

پیام یونسکو به‌زبان اسپرانتو؟ در صفحه نامه‌های شماره ژوئیه ۱۹۹۰ پیام یونسکو، سه خواننده درخواست کرده بودند که پیام یونسکو به‌زبان اسپرانتو نیز منتشر شود. به‌عنوان حامی اسپرانتو با این نظر موافقم، اما نمی‌دانم که آیا چنین کاری در زمان فعلی امکان‌پذیر است یا نه. طرفداران اسپرانتو نشریات زیادی در اختیار دارند و برخی از آنها به‌دلیل وضعیت سیاسی و اقتصادی کشورهاشان نمی‌توانند مجله شما را مشترک شوند. یک سازمان پژوهشی که از اسپرانتو به‌عنوان زبان اصلی کار خود بهره می‌گیرد، آکادمی بین‌المللی علوم در سان مارینو است که حتی بنیادی با نام دکتر کلمه فوندوسو ایجاد کرده است تا هزینه‌های جزئی اشتراک برخی از اعضای خود را تأمین

مقاله خواندن مجله را دشوارتر می‌سازد؛ ما همیشه جای کافی برای فهرست کردن اسامی نداریم، اما هر جا که احساس کنیم ضرورت دارد پانوشتهای توضیحی به‌مطلب اضافه می‌کنیم. چاپهای پیام یونسکو به‌زبانهای گوناگون تلفظ درست اسامی را به‌همان زبانها در بردارند.

سردبیر

تجلیل از هانس سیلی

به‌یادبود فیزیولوژیست کانادایی متولد اتریش هانس سیلی (۱۸۸۲ - ۱۹۰۷)، در اکتبر ۱۹۹۲ در مونت‌آل کانادا از یک لوحه برنده‌برداری خواهد شد. این مراسم به‌وسیله دولت کانادا و انستیتیوی ملی بهداشت ایالات متحده آمریکا و در حضور برندگان جایزه نوبل در فیزیولوژی و پزشکی برگزار خواهد شد. کار پروفیسور سیلی در مورد پدیده‌های روانشناسی استرس و دیسترس و مسائل ناشی از اضطراب با دنیای مدرن جهان میلیون‌ها تن را نجات داده است. آلبرت اینشتین او را پدر نظریه عمومی فیزیولوژی و پزشکی خوانده است. پروفیسور سیلی علاوه بر عضویت در جامعه دانشمندان بسیاری کشورها و تألیف بیش از ۶۰ کتاب پر فروش علمی، یک فیلسوف، شاعر، جامعه‌شناس و انسان‌گرا بود. می‌خواهم پیشنهاد کنم که یک شماره ویژه از مجله خود را به‌این نابغه عصر ما اختصاص دهید. روی جلد مناسب برای این شماره انری است از سانوآدور دالی تحت عنوان استرس که آن را به‌خاطر هانس سیلی کشیده است.

دکتر س. خورول
مسکو (اتحاد شوروی)

تندخوانی

مؤلف مقاله‌ای به‌نام «PC (کامپیوتر شخصی) و ۳RS» که در شماره ژوئیه ۱۹۹۰ پیام یونسکو

در دفاع از آزادی

مدتی است که پیام یونسکو را می‌خوانم. نشریه شما کیفیت بسیار خوبی دارد و یونسکو و رسالت آن را بسیار خوب منعکس می‌کند.

این نامه را می‌نویسم تا مسرت ویژه خود را از مطالعه شماره سپتامبر پیام یونسکو که در آن مقالات متعددی درباره نقش مطبوعات آزاد وجود داشت ابراز دارم. امیدوارم که مقالات آن شماره وسیعاً در کشورهایی که یونسکو با آنها ارتباط دارد و به‌زبانهای که پیام یونسکو منتشر می‌شود خوانده شود. شما خدمت بزرگی به‌نهاد مطبوعات و به‌وسایلی ارتباط جمعی کرده‌اید.

برای شما موفقیت دائمی آرزو می‌کنم.
و. تری مگوار
معاون ارشد انجمن
ناشران روزنامه‌های آمریکا
واشنگتن دی. سی.

تلفظ اسامی

تلفظ نام‌های مردم و مکانها برای خوانندگان مجله‌ای که به ۳۵ زبان منتشر می‌شود دشواری می‌آفریند. پیشنهاد می‌کنم که تلفظ درست اسامی را به‌الفبای آوایی بین‌المللی یا در متن و داخل پراکنش‌ها در انتهای هر مقاله یا هر شماره بگنجانید. حتی می‌توانید گاه به‌گاه فهرستی از اسامی به‌صورت ضمیمه پیام یونسکو منتشر کنید.

لوسی آپریچیو دوس آنیوس یورویم
(پرنامبوکو، برزیل)

اندیشه جالبی را مطرح کردید، اما فکر نمی‌کنید که اضافه کردن مقادیر زیادی الفبای آوایی به‌هر

(بقیه از صفحه ۳۹)

زیبایی قرار دارد. لذت خودخواهانه و فردی، ظاهری و نسبی است، در حالی که سعادت مطلق و بی‌انتهاست. لذت گذراست، اما سعادت بی‌غل و غش است و به تسلط بر نفس و آرامش مربوط است. رامایانه و مه‌بهارانه با شکست ناحق و پیروزی حق پایان نمی‌یابند، بلکه زندگی‌های پایایی را در نظر دارند. هدف رسیدن به تاج و تخت خاکی نیست، بلکه نیل به کمال است. جسمانیت و روحانیت گویی صرفاً جنبه‌های درونی و بیرونی یک زندگی است. نقاشی‌های آجاتنا به نحوی مسحورکننده تمدنی را تصویر می‌کنند که در آن تضاد ماده و روح به زیبایی حل شده است. ■

ترجمه هادی غیرانی

(بقیه از صفحه ۴۰)

کنم، اما با آزادی عملی که پخته است، با اشتیاقی که با اندکی خردمندی ملایمت یافته است. دوره کارآموزی طولانی، و تمرین کاری است خطیر. اما سرانجام، خوشنویسی همواره پاداش کوشنده‌ی صبور و وفادارش را می‌دهد.

هنرمندی که خوشنویسی رازهایش را برایش بر ملا می‌کند نوعی احساس سرفرازی را تجربه می‌کند که با احساس رقصندگانی که آن قدر می‌رقصند تا از پا بیفتند قابل قیاس است. همه توفان‌هایی که در قلب آشوبی به پا می‌کنند به حرکات ساده و نابی‌میدل می‌گردند. کار خوشنویس گسترده‌تر از زبانی است که بدان نوشته می‌شود و همچون پیکره‌هایی طبیعی است که در برابر آسمان کویری قد علم می‌کنند و چشم را به سوی بیت‌های رهنمون می‌شوند. ■

ترجمه هادی غیرانی

شرایط اشتراک

«پیام یونسکو»

ای که مایلند در زمرد مشترکین «پیام یونسکو» قرار گیرند با مزاجمه به کلیه شعب بانک مرکزی ایران می‌توانند مبلغ اشتراک سالانه را به حساب جاری شماره ۲۹۲۳۶ نزد بانک ملی ایران شعبه دانشگاه تهران واریز نموده و رسید آنرا ذکر نام و آدرس خود به دفتر مجله پیام در تهران ارسال دارند.

تکمیل
اشتراک سالانه داخلی
اشتراک سالانه کشورهای همجوار
اشتراک سالانه کشورهای اروپایی و هند
اشتراک سالانه کشورهای قاره آمریکا و خاور دور ۱۰۰۰۰ ریال